

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال دهم، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۷

نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتار انتقاد در زبان فارسی^۱

نورالدین یوسفی^۲

سامان عبادی^۳

فرخنده پورسیاه^۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۹

تاریخ تصویب: ۹۵/۶/۱۴

چکیده

زبان، تجلی‌گاه فرهنگ و افکار افراد یک جامعه است و با بررسی زبان می‌توان به مطالعه رابطه متقابل زبان، تفکر و فرهنگ دست یافت و از نظام فکری و فرهنگی یک جامعه آگاه شد. بر این مبنای این پژوهش بر آن است تا به بررسی کنش گفتار انتقاد در زبان فارسی بپردازد. مقاله حاضر، به بررسی این راهبردها در کنش گفتار انتقاد می‌پردازد. به این منظور، از

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2016.2441

^۲ مقاله حاضر برگرفته از رساله دکترای خانم پورسیاه، به راهنمایی دکتر نورالدین یوسفی و با مشاوره دکتر سامان عبادی است.

^۳ دکترای تخصصی، استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، عضو هیأت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه؛
nyousofi@yahoo.com

^۴ دکترای تخصصی، استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، عضو هیأت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه؛
s.ebadi@razi.ac.ir

^۴ دانشجوی دکتر، گروه آموزش زبان انگلیسی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول)؛
farkhondehpursiah@yahoo.com

آزمون تکمیل‌گفتمان استفاده شد و پاسخ‌های جمع‌آوری شده از ۲۰۰ شرکت‌کننده، با استفاده از چهارچوب راهبردهای بیان و تعدیل انتقاد گونن (Nguyen, 2005, 2013) مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفت. شیوه انتقاد، به موقعیت و فاصله اجتماعی و نیز جنسیت افراد شرکت‌کننده در تعامل بستگی دارد، اما جنسیت تأثیر بر نحوه بیان و تعدیل انتقاد در مقایسه با دو متغیر دیگر بیشتر است. بررسی ارتباط جنسیت و راهبردها نشان می‌دهد که این کنش‌گفتار در بین زن‌ها بیشتر از مردها تعدیل می‌شود. یافته‌های پژوهش نمایان‌گر است که انتقاد برخلاف دیدگاه رایج، همیشه یک کنش‌گفتار منفی نیست. بلکه افراد در تعامل‌های اجتماعی می‌توانند با استفاده از کنش‌گفتارهای دیگر مانند تعارف، تعریف، عذرخواهی و تعدیل‌کننده‌هایی مانند خوش‌زبانی‌ها و توجیه‌کننده‌ها تأثیر منفی این کنش‌گفتار را کاهش دهند، به گونه‌ای که انتقاد مفید بوده و در بین آن‌ها هم‌بستگی^۱ ایجاد کند. از یافته‌های پژوهش می‌توان در بررسی‌های تطبیقی بین‌فرهنگی و مسائل آموزش زبان بهره گرفت.

واژه‌های کلیدی: کنش‌گفتار انتقاد، تعدیل، فاصله اجتماعی، موقعیت

اجتماعی، گویشوران زبان فارسی

۱. مقدمه

ریچاردز و اشمیت (Richards & Schmitt, 2002) بر این باورند که کلام و رفتار افراد یک جامعه، فرهنگ آن جامعه را بازنمایی می‌کند. بنابراین می‌توان با مطالعه زبان، از نظام فکری و فرهنگی آن جامعه آگاهی یافت. جیانگ (Jiang, 2006) بیان کرده‌است برای برقراری ارتباط مؤثر فقط آگاهی از ساختار زبانی کافی نیست، بلکه ارتباط مؤثر مستلزم شناخت عمیقی از فرهنگ است. پژوهش‌های زبانی راه‌گشای آشنایی با فرهنگ و روحیات افراد آن فرهنگ است. یکی از راه‌های روشن کردن رابطه متقابل زبان و فرهنگ، مطالعه کنش‌گفتار^۲ها در زبان است. آستین (Austin, 1962) و سرل (Searle, 1975)، برای

¹ solidarity

² Speech act

نخستین بار نظریه کنش‌گفتار را برای پژوهش در زمینه ارتباط‌گوینده با شنونده ارائه کردند. کنش‌گفتارها وسیله تحقق گفتار به عمل یا رفتار هستند (Halliday, 2003).

بررسی تعامل‌های بین‌فردی در کاربردشناسی زبان^۱ همواره به شناخت ساختارهای زبانی، تأثیر عناصر مختلف بر پیش‌بردن تعامل‌ها و نحوه یادگیری زبان کمک کرده‌است. یکی از رایج‌ترین راه‌های پژوهش در زمینه کاربردشناسی زبان مطالعه کنش‌گفتارها است. تاکنون پژوهش‌های بسیاری در پیوند با کنش‌گفتارها انجام شده‌است و پژوهشگران توانسته‌اند اطلاعات مفیدی در زمینه ساختارهای زبانی، ارتباط آن ساختارها با حالت‌های روحی، فکری و اجتماعی افراد به دست آورند. پژوهش‌های گوناگون در زمینه کنش‌گفتارهایی مانند درخواست کردن، عذرخواهی کردن، امتناع کردن و موارد مشابه نشان داده‌است که آگاهی از چگونگی ابراز و تعدیل کردن این کنش‌گفتارها بر اساس روابط اجتماعی و موقعیت افراد، کمک می‌کند تا تعاملات، به‌راحتی و با موفقیت برقرار شود. در این زمینه، تعیین تفاوت‌های فرهنگی میان جوامع مختلف، از بروز بسیاری از سوءتفاهم‌ها جلوگیری می‌کند. کنش‌گفتار انتقاد^۲، خود فعالیتی تنش‌زا و همراه با نگرانی است، بنابراین استفاده از راهکارهای مناسب به منظور کاهش میزان تنش و نگرانی، در این فعالیت ضروری می‌نماید و این امر با حفظ احساس‌های مخاطب و نگهداری از جایگاه و موقعیت اجتماعی او، تأثیر منفی کنش‌گفتار انتقاد را کاهش می‌دهد. انتقاد کردن در بیشتر تعاملات به چشم می‌خورد اما در یک محیط دانشگاهی مبتنی بر ارتباط‌های اجتماعی، برخوردهای رفتاری و توقع‌های دوسویه، این کنش‌گفتار ممکن است بیشتر بروز کند. بنابراین لازم است شرکت‌کنندگان در مکالمه‌ها، روابط را به گونه‌ای مدیریت کنند که بیان انتقاد سبب ایجاد رنجش و تنش در طرف مقابل نشود. این مطالعه داده‌محور، تحلیلی است بر موضوع‌ها و الگوهای به‌کار گرفته شده در باب انتقاد، آن‌گونه که توسط گروهی از گویشوران زبان فارسی در یک محیط دانشگاهی به‌کار می‌رود. پژوهش حاضر در نظر دارد این کنش‌گفتار فراموش شده را در یک بافت اجتماعی و رابطه تعاملی ویژه، مورد بررسی قرار دهد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی نحوه برقراری رابطه کلامی مبتنی بر

¹ Pragmatics

² criticism

به کارگیری راهبردهای بیانی و تعدیلی در انتقاد کردن است. به بیان دیگر، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که «چگونه طرفین یک ارتباط، با رعایت ادب و حفظ جایگاه مخاطب، قادر خواهند بود تا انتقادات خود را در تعاملات کلامی بیان کنند و چه روش‌هایی را به کار می‌برند تا تأثیرهای منفی انتقاد را کاهش دهند؟». متغیرهای مورد بررسی که ممکن است این راهبردها را تحت تأثیر قرار دهند، جنسیت^۱، فاصله^۲ و موقعیت^۳ اجتماعی شرکت‌کننده‌ها هستند. با توجه به پژوهش‌های گوناگون در پیوند با تعداد محدودی از کنش‌گفتارها، ضرورت انجام تحقیق‌هایی در زمینه کنش گفتار انتقاد افزایش می‌یابد. در راستای تحقق این هدف‌ها، پرسش‌های زیر مطرح می‌شوند:

۱. الگوهای کاربردی-زبانی کنش گفتار انتقاد، چگونه بر اساس موقعیت و فاصله اجتماعی افراد، تغییر می‌کنند؟

۲. الگوهای کاربردی-زبانی-کنش گفتار انتقاد، چگونه بر اساس جنسیت افراد تغییر می‌کنند؟

یافته‌های پژوهش حاضر، دامنه مطالعات کنش گفتارها را با بررسی یک کنش گفتار دیگر یعنی کنش گفتار انتقاد، افزایش می‌دهد. همچنین دست‌آوردهای این مقاله در زمینه کاربردشناسی و آموزش زبان، در حیطه کنش گفتارها و مطالعات تطبیقی در حوزه فرهنگ، تفکر و زبان قابل استفاده است. از جمله می‌توان این یافته‌ها را در بررسی‌های تطبیقی زبان و فرهنگ به کار گرفت و یا در تهیه و تدوین کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان مورد استفاده قرار داد تا از مشکل‌های احتمالی در آموزش و یادگیری این کنش گفتار جلوگیری کرد و از راهکارهای آموزشی مناسب برای حل مشکلات آموزشی زبان‌آموزها بهره برد.

۲. انتقاد

به نظر می‌رسد که انتقاد در اغلب گفتمان‌های روزمره به کار می‌رود. افزون بر این، کنش گفتار انتقاد، تقریباً در هر بافتی به چشم می‌خورد اما هدف از انجام آن با توجه به

¹ gender

² social distance

³ social status

بافت اجتماعی، جنسیت و ارتباط بین شرکت کننده‌ها در تعامل تغییر می‌یابد و شرکت کننده‌ها در موقعیت‌های ویژه در مکالمه‌ها روابط را مدیریت می‌کنند تا بیان انتقاد سبب ایجاد رنجش و تنش در تعامل‌ها نشوند. جمله‌های زیر را در نظر بگیرید:

- باخودت درگیری!

- هر چند نمی‌تونم بهت کمک کنم اما به نظر می‌رسه که با خودت درگیر هستی!

یا:

- این مدل موی سر اصلاً بهت نمی‌آد!

- به نظر من مدل موی قبلی بیشتر بهت می‌آمد.

گوئن (Nguyen, 2005, p. 7) انتقاد را این‌گونه تعریف می‌کند: «برخوردی کلامی که به منظور ارزیابی منفی از رفتار، کردار، گفتار، عادات و آنچه که متعلق به شنونده‌ای است که خود، موجبات برانگیختن انتقاد دیگران را فراهم می‌کند، انتقاد نامیده می‌شود. این برخورد کلامی ممکن است با امید بهبود بخشیدن به وضعیت شنونده در آینده صورت گیرد و یا برای نشان‌دادن عدم رضایت و تنفر گوینده از عملکرد شنونده که ممکن است هیچ ضرری برای گوینده ایجاد نکرده باشد، انجام پذیرد.» کوهن (Cohen, 2014) بر این باور است که هدف از انتقاد این است که به فرد نشان دهید که او آن‌گونه که خود فکر می‌کند یا ادعا دارد با اهمیت و موقّق نیست، بلکه ایراداتی بر او وارد است.

انتقاد کردن به معنی یافتن ایراد در کسی یا چیزی و بیان آن به گونه‌ای است که مخاطب آن را بشنود. در واقع، بیان نارضایتی گوینده درباره‌ی یک ویژگی شنونده که می‌تواند برای بهبود وضعیت شنونده یا گوینده باشد، انتقاد در نظر گرفته می‌شود. انتقاد ممکن است درباره‌ی ظاهر، لباس، رفتار و یا گفتار نامناسب یک شخص باشد. عمل انتقاد ممکن است همراه با ارزیابی و یا بدون قضاوت باشد و ممکن است سازنده یا مخرب باشد. انتقاد همچنین می‌تواند کلامی یا رفتاری، مستقیم یا غیرمستقیم، جزئی یا کلی باشد. به طور کلی، در هر انتقاد، حداقل سه عنصر اصلی وجود دارد: منتقد یا انتقاد کننده، انتقادشونده و موضوع مورد انتقاد. انتقادشونده ممکن است فرد یا سازمان باشد و موضوع مورد انتقاد ممکن است رفتار، شرایط، رابطه یا یک فرایند باشد. همچنین این موضوع می‌تواند مطالبی مهم و یا موردی جزئی و کم اهمیت باشد. انتقاد را می‌توان بر اساس هریک از مؤلفه‌های

نگرش منتقد، موضوع انتقاد، هدف انتقاد، شکل انتقاد، نحوه بیان انتقاد، بافت انتقاد، فرد دریافت کننده به گونه‌های مختلفی دسته‌بندی کرد.

تاکنون درباره کنش گفتار انتقاد، پژوهش‌های اندکی انجام شده‌است؛ از جمله پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده، می‌توان به مطالعه لی و سیل (Li & Seale, 2007) اشاره کرد که انتقاد را در ارتباط با تعامل بین کارشناس بازدید و بازدید شونده مورد بررسی قرار دادند. پژوهش آن‌ها نشان داد که انتقاد مؤثر در گرو همراه کردن انتقاد با شوخی، اصلاح و تصحیح و نصیحت کردن فرد مورد انتقاد است. ریکینن (Riekkinen, 2009) تفاوت بین گویشوران بومی زبان انگلیسی و گویشوران زبان انگلیسی به عنوان زبان بین‌المللی را در بافت دانشگاهی جلسه دفاع دکتری و در رابطه با پاره گفتارهای طفره‌ای بررسی کرد و دریافت که توانایی گروه دوم در تعدیل انتقادها نسبت به گروه اول کمتر بود. همچنین می‌توان به پژوهش‌های گوئن (Nguyen, 2005 & 2013) در زمینه بررسی دانش‌آموزان از انشاءهای یکدیگر اشاره کرد. گوئن بر این باور است که پژوهش در زمینه انتقاد نباید تنها به نقد ادبی و متن‌ها محدود شود، بلکه انتقاد از ظاهر یا رفتار افراد که نوعی انتقاد تلخ محسوب می‌شود، نیاز به پژوهش و بررسی دارد (Nguyen, 2013, p. 104) چرا که این کنش گفتار تنش‌زا، به اندازه کافی مورد مطالعه قرار نگرفته‌است. با وجود جستجوهای گسترده‌ای که انجام شد، پژوهشی مربوط به بررسی این کنش گفتار در زبان فارسی یافت نگردید، بنابراین انجام پژوهش در این راستا اهمیت بیشتری می‌یابد.

۲.۱. راهبردهای بیان انتقاد

در میان پژوهش‌های انجام شده در زمینه انتقاد، گوئن (Nguyen, 2005 & 2013) راهبردهای ابراز انتقاد را به دو دسته کلی «انتقاد مستقیم» و «انتقاد غیر مستقیم» دسته‌بندی کرده‌است. در **انتقاد مستقیم**، گوینده مشکل را بیان کرده و یا مخالفت و تنفر خود را در رابطه با موضوع مورد انتقاد نشان می‌دهد. همچنین فرد منتقد ممکن است مخاطب خود را به چالش بکشد یا او را تهدید کند. موارد زیر از جمله راهبردهای ابراز انتقاد بطور مستقیم هستند که با نمونه‌هایی از داده‌های به‌دست آمده از پژوهش حاضر همراه شده‌اند:

بیان مسئله: بیان کردن مشکل موجود

- خیلی بلند بلند حرف می زنی!
- ابراز مخالفت:** بحث بر خلاف نظر مخاطب
- استاد! کار فردی خیلی مناسب نیست!
- رد کردن:** عدم تأیید یک ویژگی در شنونده
- استاد! بدقولی کار خوبی نیست!
- ابراز تنفر:** ابراز عدم علاقه و بیان تنفر از ویژگی مورد نظر
- من از این رفتار بدم می آید!
- چالش:** به چالش کشیدن یک ویژگی شنونده
- فکرمی کنی خودت خیلی بی عیب هستی؟
- هشدار دادن:** آگاه کردن از عواقب بد ویژگی مورد نظر
- این جورى بعداً ضرر می کنی!
- ارزیابی منفی:** ارزیابی منفی از ویژگی شنونده
- چرا در بحث های کلاسی شرکت نمی کنی؟ احساس می کنم خیلی ضعیفی!
- تحقیر کردن:** تحقیر کردن شنونده بخاطر ویژگی
- خودت خیلی حالیته!؟
- در **انتقاد غیرمستقیم**، فرد گوینده از طریق پیشنهاد، تشویق و ترغیب، نصیحت، اصرار، طعنه زدن و اذیت کردن مخاطب صورت می گیرد. شگردهای گوناگون همراه بانمونه هایی در زیر آمده است:
- پیشنهاد برای بهبود:** ارائه پیشنهاد برای بهبود وضعیت
- استاد! بهتر نیست برای این بخش از پاور پوینت استفاده کنید؟
- نشان دادن استاندارد:** ارائه رفتار معیار و استاندارد
- استاد! ما هم شاگرد شما هستیم! کمی به ما هم توجه کنید!
- نصیحت کردن:** ارائه پند و اندرز به گوینده
- آگه می خواهی قبول بشی، باید در بحث های کلاسی شرکت کنی!
- ترغیب کردن:** تشویق کردن شنونده به تغییر ویژگی
- اگر از پاورپوینت استفاده کنید شاید یادگیری مطلب برای دانشجویان راحت تر شود!

تقاضا کردن: درخواست از شنونده برای تغییر رفتار

- لطفاً رو قولت وایسا!

اشارات: اشاره تلویحی به یک ویژگی موجود در شنونده

- استاد! مگه شما قول ندادید؟ ما رو قول شما حساب کردیم!

بیان شک و تردید: نشان دادن نکته مورد انتقاد با نشان دادن عدم اطمینان

- مطمئن نیستم کاری که می‌کنی درست باشه!

اذیت کردن: طعنه زدن، نشان دادن رنجش، دوپهلوی حرف زدن

- اصلاً بلدی حرف بزنی؟

- یه نگاه تو آینه به خودت بنداز!

پرهیز از انتقاد: و در نهایت گوینده ممکن است که از ابراز انتقاد به دلیل احترام-

گذاشتن به مخاطب پرهیز کند.

۲.۲. راهبردهای تعدیلی کنش گفتار انتقاد

انتقاد، کنش گفتاری تهدیدکننده برای گوینده و شنونده است که نیازمند توجه بسیاری به ویژه از جانب گوینده است تا احساس‌ها و هویت فرد مورد انتقاد، مورد تهدید قرار نگیرد. بنابراین، فقط در موقعیت‌هایی که فرد منتقد با هدف و نیت ویژه‌ای تصمیم به انتقاد کردن می‌گیرد، از تعدیل‌کننده‌ها استفاده نمی‌کند. اما در سایر موارد هنگام انتقاد کردن برای مدیریت، برقراری و حفظ روابط، افراد انتقاد را تعدیل می‌کنند. به هر حال، تصمیم گوینده در به کارگیری تعدیل‌کننده‌ها به هدف تعامل، فاصله بین او و شنونده و موقعیت اجتماعی آن‌ها بستگی دارد. تعدیل‌کننده‌ها ابزارهایی هستند که افراد به کار می‌برند تا از پیامدهای ناگوار انتقاد بکاهند. این ابزارها ممکن است ستایش، درخواست، نصیحت، عذرخواهی و قدردانی باشند که به صورت یک جمله یا پاره گفتار، به صورت جداگانه پیش و یا پس از جمله اصلی دارای انتقاد قرار می‌گیرند و به عنوان ابزارهای بیرونی شناخته می‌شوند. این ابزارها همان ابزارهای کمکی و حمایتی (Nguyen, 2013) هستند. در بخش زیر، ابزارهایی که دست‌آورد بررسی داده‌های پژوهش هستند، آمده‌است.

۲.۲.۱. تعدیل کننده‌های بیرونی^۱:

کنترل کننده‌ها:^۲ ابزارهای بیرونی هستند که گوینده‌ها پیش از بیان انتقاد به کار می‌برند تا انتقاد را معرفی کرده و در کلام خود جای دهند.

- خندیدن برای نشاط خوبه اما خندیدن زیاد سر کلاس، تمرکز بچه‌ها را به هم می‌زنه.

خوش‌زبانی‌ها:^۳ تعارف‌ها و تعریف‌هایی است که گوینده به کار می‌برد تا انتقاد را تعدیل کند.

- استاد! شما دارای خصایص خوبی هستید اما مسخره کردن دیگران پسندیده نیست.
- استاد! ترم گذشته خیلی خوب درس شما رو می‌فهمیدیم اما این ترم این‌جوری نیست.

توجیه کننده‌ها:^۴ ابزارهایی است که گوینده به کار می‌برد تا انتقاد خود را توجیه کند.
- استاد! ممکنه از بین نظرات دانشجویان مطالب مفیدی وجود داشته باشه، پس بهتره به نظرات اونا توجه کنی!

- وقت کلاس رو می‌گیری! بهتر نیست سوالاتت رو بعد از کلاس بپرسی؟
ابزارهای دوستانه:^۵ شگردهایی هستند که به گوینده کمک می‌کنند تا نگرانی خود را از رنجش احتمالی شنونده نشان دهد، پس گوینده با «بیان یک جمله پیش‌اطهار، عذرخواهی، قدردانی از تلاش شنونده» انتقاد را معرفی می‌کند (Nguyen, 2013:112).
بیخشید قصد جسارت ندارم ولی فکر می‌کنم اگه بیشتر به نظرات دانشجویان توجه کنید خیلی بهتره!

ابزارهای مشاوره‌ای:^۶ ابزارهایی پیشنهادی و اندرزگونه هستند که گوینده به کار می‌برد تا انتقاد خود را بیان کند.

- فکر نمی‌کنی بهتره بیشتر تو فعالیت های کلاس شرکت کنی؟

1 external

2 steers

3 sweeteners

4 grounders

5 disarmers

6 consultatives

۲.۲.۲. تعدیل‌کننده‌های درونی^۱

تعدیل‌کننده‌های درونی، بخشی از جمله انتقادی هستند و ممکن است دستوری یا واژگانی باشند. جمله‌های پرسشی، زمان گذشته و جمله‌های همراه با فعل کمکی از این دسته‌اند.

جمله‌های پرسشی^۲: موضوع انتقاد با یک پرسش بیان می‌شود.

- چرا تو بحث‌های کلاس شرکت نمی‌کنی؟ باز می‌آفتی.

پاره‌گفتارهای طفره‌ای^۳: پاره‌گفتارهایی هستند که شنونده را از تأثیر زیان‌آور انتقاد در امان نگه می‌دارد.

- فکر نمی‌کنی به جواری داری از فعالیت کلاسیت کم می‌کنی؟

کاهش‌دهنده‌ها^۴: قیدهایی مانند کمی، حدوداً، تقریباً، نسبتاً و موارد مشابه هستند که از جدی بودن انتقاد می‌کاهند.

- کمی خسته به نظر می‌رسی!

پیراینده‌ها^۵: واژه‌هایی مانند شاید، احتمالاً و غیره هستند که اثر منفی انتقاد را متعادل می‌کنند.

- شاید بهتر باشه بیشتر تو فعالیت‌های کلاسی شرکت کنی!

پاره‌گفتارهای شخصی^۶: پاره‌گفتارهای توضیحی هستند؛ مانند فکر می‌کنم، حس می‌کنم و به نظر من، که گوینده آن را به کار می‌برد تا نظر کلی خود را درباره موضوع انتقاد بیان کند.

- به نظر من بهتره که در بحث‌های کلاسی شرکت کنی!

ترغیب‌کننده‌ها^۷: پاره‌گفتارهایی هستند که شنونده را ترغیب به گوش کردن و پذیرفتن انتقاد می‌کند مانند همان‌طور که می‌دانید، منظورم اینه که، همان‌طور که می‌بینی و موارد مشابه.

- می‌دونی! برای موفق شدن باید بیشتر سر کلاس توجه کنی.

¹ internal Modifiers

² interrogatives

³ hedges

⁴ understaters

⁵ downtoners

⁶ subjectivisers

⁷ cajolers

تأییدگرها^۱: واژه‌هایی هستند که شنونده را به تأیید انتقاد، تشویق می‌کنند؛ مانند درسته؟
آره؟ این جور یاست؟

- زیاد علاقه نداری تو فعالیت های کلاسی شرکت کنی، درسته؟

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، الگوهای بیان و تعدیل انتقاد، در ارتباط با رابطه بین جنسیت، فاصله و موقعیت اجتماعی شرکت‌کننده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور، از ابزار آزمون تکمیل گفتمان^۲ بهره گرفته شد. بلوم-کالکا (Blum-Kulka, 1987) برای نخستین بار آزمون تکمیل گفتمان را ارائه نمود. این آزمون به عنوان یک ابزار جمع‌آوری داده، بسیار کاربردی است. در آزمون تکمیل گفتمان، شرکت‌کننده موقعیت‌های فرضی را می‌خواند و به آن‌ها پاسخ می‌دهد. شکل پاسخ ممکن است شفاهی و یا کتبی باشد. محقق با به کار بردن این آزمون می‌تواند داده‌های بسیاری را در مدت‌زمان کوتاهی جمع‌آوری کند. شاخص‌های جمع‌آوری شده از آزمون تکمیل گفتمان، بسیار نزدیک به پاسخ‌ها و عکس‌العمل شرکت‌کنندگان در دنیای واقعی و زندگی روزمره است. آزمون تکمیل گفتمان شامل چندین شرح صحنه است و هر شرح صحنه بافت اجتماعی، موقعیت اجتماعی و فاصله اجتماعی شرکت‌کننده‌ها در مکالمه را شرح می‌دهد. بیل مایر و وریز (Billmyer & Varghese, 2000) معتقدند اگر محقق، سناریوها را خوب شرح دهد، می‌تواند داده‌هایی واقعی و طبیعی را شبیه به آنچه در دنیای واقعی روی می‌دهد، گردآوری کند. در این پژوهش، موقعیت‌ها بر اساس دو متغیر وابسته به هم یعنی موقعیت اجتماعی شرکت‌کننده‌ها و فاصله اجتماعی آن‌ها و متغیر جنسیت در ارتباط با کنش‌گفتار انتقاد مورد بررسی قرار گرفتند.

لیو (Liu, 2006) چهار مرحله تولید نمونه از موقعیت مورد نظر، بررسی درصد احتمال وقوع موقعیت، ارزیابی فراکاربردی موقعیت‌ها و مطالعه آزمایشی موقعیت‌ها را برای تدوین آزمون تکمیل گفتمان ارائه کرده است. در پژوهش حاضر این چهار مرحله در نظر گرفته شده است. به همین منظور، پرسش‌نامه‌ای استاندارد، از نوع پرسش‌نامه‌های بازپاسخ طراحی

¹ appealers

² discourse Completion Test

شد که دربرگیرنده ۱۰ سؤال بود و به وسیله متخصص‌های این رشته مورد ارزیابی قرار گرفت. در مرحله نخست، از شرکت‌کننده‌ها درخواست شد تا آخرین نمونه‌هایی را که از هم‌کلاسی‌ها و استادان خود انتقاد کرده‌اند را بر روی برگه‌ای یادداشت کنند. شرکت‌کننده‌های این مرحله، ۱۵۰ دانشجوی فارسی‌زبان در دو دانشگاه متفاوت بودند. پس از جمع‌آوری یادداشت‌ها، نگارندگان موقعیت‌ها را در رابطه با موضوع انتقاد، عامل‌های بافتی، ارتباط بین گوینده و شنونده (فاصله و موقعیت اجتماعی) بررسی کردند و موقعیت‌هایی را که دارای بسامد بالاتری بودند، به شکل سناریوهای بازپاسخ درآوردند. سپس سناریوهای تولیدشده، مبتنی بر طیف پنج درجه‌ای لیکرت طراحی شدند که شامل ۴۰ مقوله و پنج درجه فراوانی احتمال وقوع سناریوها و شاخص بودن آن‌ها، در اختیار ۱۰۰ دانشجو قرار گرفت. هدف این مرحله، مشخص کردن مقوله‌هایی بود که فراوانی و شاخص بالایی داشتند. دو استاد دانشگاه در زمینه زبان‌شناسی کاربردی، پرسش‌نامه را مورد بررسی قرار دادند و بر اساس نظر آن‌ها تغییراتی در شکل و محتوای پرسشنامه ایجاد شد. در این مرحله ۱۵ مقوله که تکراری، غیرضروری و نامناسب بودند، حذف شدند.

در پرسش‌نامه، ۲۵ سناریو باقی‌ماند که با ۱۰۰ شرکت‌کننده غیر از شرکت‌کنندگان اصلی پژوهش مورد آزمایش قرار گرفت. پاسخ‌های جمع‌آوری شده، با نرم افزار آماری^۱ ارزیابی شد و روایی درونی^۲ آنها مورد بررسی قرار گرفت. آنالیز فاکتور^۳ و واریمکس دورانی^۴ نیز به منظور پایایی^۵ ساختار مورد بررسی قرار گرفتند. روایی کرنباخ^۶ هم نشان داد که روایی درونی آزمون قابل قبول است (۰/۸۶۱). نتایج KMO و بارتلت^۷ در جدول (۱) آورده شده‌است. در رابطه با کفایت نمونه‌گیری^۸، آزمون آنالیز فاکتور برای همبستگی^۹ داده‌ها انجام شد. یافته‌ها نشان داد که ۲۰ مقوله، دارای همبستگی بیشتر از (۰.۴۰) هستند. مقوله‌ها با همبستگی کمتر از (۰.۴۰) بدون وارد کردن خدشه‌ای به هم‌پوشانی و روایی

^۱ SPSS

^۲ internal Reliability

^۳ factor Analysis

^۴ varimax Rotation

^۵ validity

^۶ cronbach's alpha consistency

^۷ Bartlett's Test of Sphericity

^۸ sampling Adequacy

^۹ factor Loading

آزمون حذف شدند. چرا که مقوله‌هایی با صورت نوشتاری متفاوتی در آزمون وجود داشتند. در نهایت، ۱۰ سناریو در هر آزمون باقی‌ماندند تا راهبردهای انتقاد را در زبان فارسی مورد ارزیابی قرار دهند.

جدول ۱: بارتلت و KMO

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.690
Approx. Chi-Square		917.452
Bartlett's Test of Sphericity	Df	231
	Sig.	.000

آزمون تکمیل گفتمان اشاره‌شده، در بین شرکت‌کننده‌های حاضر در پژوهش توزیع شد. ۲۰۰ دانشجوی دوره لیسانس و فوق‌لیسانس از دو دانشگاه در استان‌های غربی ایران که سن آن‌ها بین ۱۹ تا ۲۷ و میانگین سن ۲۳ بود، در پژوهش حاضر شرکت کردند. از میان شرکت‌کننده‌ها در پژوهش ۱۱۰ نفر دانشجوی دختر و ۹۰ نفر دانشجوی پسر بودند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای بار دوم این داده‌ها مورد بررسی آماری قرار گرفت. روایی الفبا برای این آزمون (۸۷۰) بود. جدول (۲) ضریب KMO را (۰.۷۳۴) را نشان می‌دهد. محاسبه آزمون بارتلت^۱ معنا دار بود ($P = .000$).

جدول ۲: بارتلت و KMO

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.734
Approx. Chi-Square		880.893
Bartlett's Test of Sphericity	Df	91
	Sig.	.000

پس از محاسبه اسکری پلات^۲ و آنالیز فاکتور، موارد با بالاترین همبستگی واریانس انتخاب شدند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. بررسی راهبردهای بیان انتقاد براساس تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر توصیف و تحلیل راهبردها بر مبنای پاسخ‌های شرکت‌کننده‌های فارسی‌زبان و با تکیه بر متغیر فاصله و موقعیت اجتماعی و جنسیت آن‌ها انجام شده‌است.

¹ Bartlett Test

² scree Plot

داده‌های به‌دست‌آمده از ده سناریو، براساس چهارچوب راهبردهای بیان و تعدیل انتقاد برگرفته از گوئن (Nguyen, 2013, 2005) مورد استفاده قرار گرفت. بررسی پاسخ‌ها نشان داد که راهبردهای بیان انتقاد ارائه‌شده توسط گوئن در بیان انتقاد توسط افراد شرکت‌کننده در پژوهش به کار گرفته شدند. همچنین، یک راهبرد دیگر که از داده‌های پژوهش به دست آمد و در چارچوب گوئن ارائه نشده بود، راهبرد **نفرتین** بود.

نفرتین کردن: انتقاد کردن همراه با بدزبانی

- خفه می‌شی!

داده‌های به‌دست‌آمده از پاسخ‌های شرکت‌کننده‌ها به مقوله‌های آزمون، با استفاده از آمار توصیفی در جدول (۳) ارائه شده‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نحوه انتقاد افراد از یکدیگر بر پایه موقعیت و فاصله اجتماعی و جنسیت گوینده و شنونده بنا شده‌است. اینکه شرکت‌کننده‌ها در تعامل‌های اجتماعی دارای چه موقعیتی هستند و چه نسبتی با هم دارند (آشنا، دوست، فامیل) از جمله عامل‌هایی هستند که روش انتقاد کردن را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. چهار گروه یعنی مذکر/ موقعیت اجتماعی همسان، مذکر/ موقعیت اجتماعی ناهمسان، مؤنث/ موقعیت اجتماعی همسان و مؤنث/ موقعیت اجتماعی ناهمسان در این مطالعه شرکت کرده‌اند.

- یافته‌ها نشان می‌دهد که پربسامدترین راهبرد برای انتقاد کردن از استادان توسط دانشجوی‌های مرد «بیان مسئله» (۵۳٪) است و برای ابراز انتقاد در رابطه با همکلاسی‌ها «ابراز مخالفت» (۳۷٪) و به میزان کمتری «بیان مسئله» (۲۴٪) است.
 - نتایج همچنین بیان‌گر آن است که شرکت‌کننده‌های زن، راهبرد «پیشنهاد برای بهبود» (۴۵٪) را برای ابراز انتقاد در رابطه با استاد‌های خود به کار می‌برند یا به طور کلی از انتقاد کردن پرهیز می‌کنند (۲۳٪). همین شرکت‌کننده‌ها در رابطه با همکلاسی‌های خود راهبرد «پیشنهاد برای بهبود» (۳۸٪) را بیشتر از سایر راهبردها به کار می‌برند.
- جدول (۳)، فراوانی تکنیک‌های به کار گرفته‌شده به وسیله شرکت‌کننده‌ها را از جنبه راهبردهای کلی مستقیم، غیر مستقیم و پرهیز از انتقاد نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول (۳)، مشاهده می‌شود شرکت‌کننده‌های مرد پژوهش حاضر، از راهبرد مستقیم؛ یعنی «بیان مسئله»، برای انتقاد از مخاطب‌های دارای موقعیت اجتماعی بالاتر

و فاصله اجتماعی بیشتر، استفاده می کنند. همین شرکت کننده ها در ارتباط با مخاطب ها دارای موقعیت اجتماعی همسان و فاصله اجتماعی کمتر، از راهبردهای مستقیم «ابراز مخالفت» و «بیان مسئله» بهره می برند. یافته ها برای شرکت کننده های زن با شرکت کننده های مرد تفاوت داشت؛ شرکت کننده های زن برای انتقاد از مخاطب های دارای موقعیت اجتماعی بالاتر و فاصله اجتماعی بیشتر، از راهبرد غیرمستقیم «پیشنهاد برای بهبود» استفاده می کنند و یا از بیان انتقاد خودداری می کنند. به همین ترتیب، شرکت کننده های زن در این پژوهش، در ارتباط با مخاطب های دارای موقعیت اجتماعی همسان و فاصله اجتماعی کمتر، از راهبرد غیرمستقیم «پیشنهاد برای بهبود» و به میزان کمتر از مخاطب های با موقعیت اجتماعی بالا، از ابراز انتقاد پرهیز می کنند. به طور کلی، به نظر می رسد که شرکت کننده های زن، به کاربرد روش غیرمستقیم و ضمنی تمایل بیشتری دارند، در حالی که مردها، از شگردهای مستقیم استفاده می کنند. پس از بررسی داده ها در رابطه با راهبردهای بیان انتقاد، شگردهای تعدیل مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۳: بسامد راهبردهای بیان انتقاد

راهبردها	مرد- استاد	مرد- همکلاسی	زن- استاد	زن- همکلاسی
مستقیم	٪۶۵٫۵	٪۶۱	٪۱۵٫۵	٪۱۹٫۵
غیرمستقیم	٪۲۵	٪۳۶	٪۶۳	٪۶۴
پرهیز از انتقاد	٪۱۰٫۵	٪۳	٪۲۳	٪۱۶٫۵

۴.۲. بررسی راهبردهای تعدیلی^۱ براساس تحلیل داده ها

بررسی داده های به دست آمده از ده سناریو بر اساس چارچوب گوئن (Nguyen, 2013) نشان می دهد که علاوه بر راهبردهای ارئه شده توسط گوئن، راهبردهای دیگری برای تعدیل انتقاد در میان گویشوران فارسی زبان رواج دارد که در بخش پیش رو آورده شده اند. **جمله های عاطفی^۲**: به وسیله این جملات، انتقاد در قالب احساسات، عواطف و آرزو بیان می شود.

¹ mitigation strategies

² wishes

- ای کاش قبلا خبر می‌دادید!

جمله‌های کنایه‌ای^۱: جمله‌هایی هستند که گوینده به کار می‌برد تا رفتار استاندارد را به طور غیرمستقیم به شنونده یادآور می‌شود.

- آدم باید به قولش عمل کنه!

پاره‌گفتارهای ندایی^۲: گوینده از نام شخص استفاده می‌کند و او را مورد خطاب قرار می‌دهد.

- استاد! فکر می‌کنم کار گروهی بهتر جواب بده!

یافته‌های به‌دست آمده از پاسخ‌های شرکت‌کننده‌ها به پرسش‌نامه انتقاد از جنبه راهبردهای تعدیلی با استفاده از آمار توصیفی، در جدول ۴ آورده شده است.

• بر مبنای یافته‌های پژوهش، رایج‌ترین راهبردهای تعدیل انتقادی که شرکت‌کننده‌های مرد در مقابل مخاطبان با موقعیت اجتماعی بالا و فاصله اجتماعی بیشتر به کار می‌برند «کنترل‌کننده‌ها» (۴۰/۵٪) و «مشاوره‌ای‌ها» (۲۷٪) هستند.

• نتایج به همین ترتیب نشان می‌دهد که شرکت‌کننده‌های مرد، برای انتقاد از مخاطبی که موقعیت اجتماعی همسان و فاصله اجتماعی کمتری دارد، از همان راهبردهای «کنترل‌کننده‌ها» (۳۸/۵٪) و «مشاوره‌ای‌ها» (۲۹٪) استفاده می‌کنند.

• یافته‌های به‌دست آمده در ارتباط با شرکت‌کننده‌های زن نشان می‌دهد که برای تعدیل انتقاد در برابر مخاطبی که از موقعیت اجتماعی بالا و فاصله اجتماعی بیشتر برخوردار است، از راهبرد «مشاوره‌ای» (۴۶/۵٪) بیش از سایر راهبردها استفاده می‌کنند.

• نتایج همچنین نمایانگر آن است که شرکت‌کننده‌های زن، برای تعدیل انتقاد در برابر مخاطبی که از موقعیت اجتماعی همسان و فاصله اجتماعی کمتر برخوردار است، از دو راهبرد «مشاوره‌ای‌ها» (۴۴/۵٪) و «ابزارهای دوستانه» (۲۱/۵٪) بیشتر بهره می‌برند.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، معلوم شد که شرکت‌کننده‌های مرد، از تعدیل‌کننده‌های بیرونی یعنی «کنترل‌کننده‌ها» و «مشاوره‌ای‌ها» برای انتقاد از مخاطب‌های

¹ ironical statements

² addressing

دارای موقعیت اجتماعی بالاتر و فاصله اجتماعی بیشتر، استفاده می‌کنند. همین شرکت‌کننده‌ها در ارتباط با مخاطب‌های دارای موقعیت اجتماعی همسان و فاصله اجتماعی کمتر، از همان تعدیل‌کننده‌های بیرونی؛ یعنی «کنترل‌کننده‌ها» و «مشاوره‌ای‌ها» بهره می‌برند. به همین ترتیب، شرکت‌کننده‌های زن، برای تعدیل انتقاد از مخاطب‌های دارای موقعیت اجتماعی بالاتر و فاصله اجتماعی بیشتر، از راهبرد بیرونی «مشاوره‌ای‌ها» استفاده می‌کنند و در ارتباط با مخاطب‌های دارای موقعیت اجتماعی همسان و فاصله اجتماعی کمتر، از راهبردهای بیرونی «مشاوره‌ای‌ها» و «ابزارهای دوستانه» بهره می‌برند.

جدول (۴)، بسامد راهبردهای به کاررفته توسط شرکت‌کننده‌ها را از جنبه ابزارهای کلی درونی و بیرونی نشان می‌دهد. همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد، افراد شرکت‌کننده در پژوهش در تعدیل کنش‌گفتار انتقاد از تعدیل‌کننده‌های بیرونی بیش از تعدیل‌کننده‌های درونی استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد که افراد شرکت‌کننده، بیشتر تمایل دارند که انتقاد را پس‌بین مقدمه و با احتیاط در لفافه‌ای از جمله‌ها و پاره‌گفتارهایی با مفهوم خوشایند بیان کنند. به این ترتیب، تعدیل‌کننده‌های بیرونی را مؤثرتر از ابزارهای درونی در تعدیل انتقاد در نظر می‌گیرند که از نظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیازمند پژوهش بیشتر است.

جدول ۴: بسامد راهبردهای کلی درونی و بیرونی بیان انتقاد

راهبردها	مرد-استاد	مرد-همکلاسی	زن-استاد	زن-همکلاسی
بیرونی	٪۷۴	٪۸۲	٪۷۵	٪۷۶٫۵
درونی	٪۲۶	٪۱۸	٪۲۵	٪۲۲٫۵

۵. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی کنش‌گفتار انتقاد در فضای فرهنگ و زبان فارسی با استفاده از چهارچوب گوئن انجام پذیرفته‌است. به این منظور، با استفاده از داده‌های پژوهش، راهبردهای مورد استفاده گویشوران زبان فارسی در کنش‌گفتار انتقاد استخراج گردید و برای روشن شدن بیشتر راهبردها، نمونه‌هایی از پرسش‌های به‌دست آمده از آزمون تکمیل‌گفتمان از این جنبه مورد بررسی قرار گرفت. آن‌گاه، ارتباط راهبردهای به کار گرفته‌شده برای تعدیل این کنش‌گفتار با فاصله و موقعیت اجتماعی و جنسیت مورد اشاره قرار گرفت. شدت و تندى ابراز انتقاد، وابسته به نوع ارتباط بین گوینده و شنونده به لحاظ

فاصله و موقعیت اجتماعی و جنسیت آن‌ها است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کاربرد راهبردها، بر پایه جنسیت گوینده متفاوت است. به‌طور کلی می‌توان ادعا نمود، شیوه انتقاد، به موقعیت و فاصله اجتماعی و نیز جنسیت افراد شرکت‌کننده در تعامل بستگی دارد اما تأثیر جنسیت بر نحوه بیان و تعدیل انتقاد از دو متغیر دیگر بیشتر است.

در پاسخ به اولین پرسش پژوهش (الگوهای کاربردی - زبانی کنش‌گفتار انتقاد، چگونه بر اساس موقعیت و فاصله اجتماعی افراد، تغییر می‌کنند؟) باید اشاره نمود فاصله و موقعیت اجتماعی افراد، شیوه بیان انتقاد و ابزار تعدیلی آن را به طور معنادار تحت تأثیر قرار نداده است و ارتباط معناداری (از جنبه آماری) بین متغیرهای موقعیت و فاصله اجتماعی و نحوه انتقاد کردن یافت نشد. تصور رایج بر این است که کلام افراد هنگام صحبت با مخاطبی که در موقعیت بالاتری از آن‌ها قرار دارند و فاصله اجتماعی بیشتری بین گوینده و شنونده وجود دارد، با کلام افراد هنگام صحبت با مخاطبی که در موقعیت اجتماعی همسان با فاصله اجتماعی اندک است، تفاوت دارد. یافته‌های این پژوهش با این باور رایج سازگار نیست و دلیل این امر را می‌توان به موقعیت مورد مطالعه در پژوهش حاضر ارتباط داد. در یک فضای آموزشی به دلیل وجود تعامل بسیار بین دانشجویان و استادها از رسمیت حاکم بر فضا، اندکی کاسته می‌شود. به بیان دیگر، در یک محیط آموزشی با اینکه استادها از موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردارند و فاصله اجتماعی بیشتری بین آن‌ها و دانشجویان وجود دارد، تعامل‌های پی‌درپی منجر به کم کردن این فاصله اجتماعی می‌شود و به مرور زمان فضای رسمیت کم‌رنگ‌تر می‌شود. آنچه از این مطلب بر می‌آید این است که در پژوهش‌های آینده، پژوهشگران باید تعریف دقیق‌تری از فاصله و موقعیت اجتماعی ارائه دهند. در پیوند با پرسش دوم پژوهش باید اشاره کرد یافته‌های پژوهش نشان‌گر تمایزی معنادار در نحوه بیان انتقاد و جنسیت افراد شرکت‌کننده است. در بین داده‌های گردآوری شده و از میان شیوه‌های انتقاد کردن، انتقاد مستقیم مردها بیشترین میزان فراوانی را داشته است. بر این مبنای تمایل مردان در بیان انتقاد مستقیم با بیان مشکل و یا مخالفت در مقایسه با تمایل زن‌ها در کاربرد روش‌های انتقاد غیرمستقیم در این پژوهش قابل تأمل است.

بررسی ارتباط جنسیت و راهبردهای بیان و ابزارهای تعدیلی کنش‌گفتار انتقاد نشان می‌دهد این کنش‌گفتار در بین زن‌ها بیش از مردها تعدیل می‌شود. پیش‌قدم و قهاری

(Pishghadam & Ghahari, 2012)، معتقدند که زبان باورها و هویت‌های افراد را شکل می‌دهد و تفاوت‌های کلامی میان مردان و زنان می‌تواند ناشی از نحوه رشد هویت فردی و اجتماعی آن‌ها در جامعه و فرهنگ حاکم بر آن جامعه باشد. تفاوت‌های جنسیتی همواره در استفاده از زبان نمود می‌یابند و زبان جنسیتی به گونه‌ای قابل توجه نمایانگر ساخت اجتماعی و هویت جنسیتی افراد یک جامعه است. تفاوت زبان جنسیتی مشاهده شده در پژوهش را می‌توان به نابرابری اجتماعی بین زنان و مردان نسبت داد. از تفاوت‌های زبان جنسیتی همچنین می‌توان در تشریح هویت جنسیتی افراد بهره گرفت. این تمایزها به صورت معمول در تعامل‌های اجتماعی نمود پیدا می‌کند. این نتیجه می‌تواند نشان‌گر تمایل زنان در کاربرد صورت‌های کلامی باشد که نشان‌دهنده نقش تابع آن‌ها در جامعه است. به بیان دیگر، تفاوت‌های جنسیتی در زبان، نمودی از تفاوت‌های جایگاه و قدرت مردها و زن‌ها در جامعه است. زن‌های ایرانی از راهبردهای غیرمستقیم انتقاد استفاده می‌کنند که از فرهنگ محیطی سرچشمه گرفته‌است که در آن پرورش یافته و رشد کرده‌اند.

همان‌طور که از یافته‌های پژوهش بر می‌آید، برخلاف دیدگاه رایج در بین افراد که انتقاد یک کنش گفتار منفی است، تحلیل تعدیل‌کننده‌ها، برای کاهش تاثیر منفی آن از طریق کنش گفتارهای دیگری مانند تعارف و تعریف، خوش‌زبانی‌ها، توجیه‌کننده‌ها و مواد مشابه، این کنش گفتار می‌تواند در تعامل‌های اجتماعی، خوشایند واقع شود و در بین گوینده‌ها و شنونده‌ها هم‌بستگی ایجاد کند. به بیان دیگر، انتقاد فقط زمانی که برای ارزیابی منفی و غرض‌ورزانه از شنونده به کار رود، ناخوشایند است و در غیر این صورت می‌تواند برای ایجاد توافق و هم‌بستگی بین آن‌ها به کار می‌رود. بر این مبنای هدف افراد از انتقاد کردن فقط تخریب شخصیت و جریحه‌دار کردن احساس‌های مخاطب نیست، بلکه انتقادها می‌تواند با استفاده از راهبردهای تعدیلی گوناگون و کنش گفتارهای خوشایند از انتقاد کردن به منظور ایجاد حس هم‌بستگی و صمیمیت با مخاطب استفاده کنند. این یافته، تأییدی است بر نظریه‌های جدید ادب و مدیریت روابط مانند اسپنسر-اوتی (Spencer-Oatey, 2008) است که بر اساس آن، خوشایند یا ناخوشایند بودن کنش گفتار قابل پیش‌بینی نیست، بلکه کنش گفتار در جریان تعامل‌ها و با بررسی گفتمان ارزش‌گذاری می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر همچنین، تأییدکننده دیدگاه جمع‌گرایی دنیای شرقی

ایران است که در آن افراد، خواهان برقراری ارتباط و حفظ آن هستند و این امر با توجه و اهمیت دادن به احساس‌ها و وجهه افراد به دست می‌آید. نتایج پژوهش حاضر، یافته‌های پیش‌قدم و زارعی (Pishghadam & Zarei, 2012) را تأیید می‌کند که گویشوران ایرانی به‌ویژه زن‌ها، تمایل دارند برای حفظ وجهه نگرش‌های خود را غیر مستقیم و در لفافه بیان کنند.

علاوه بر این، تحلیل و بررسی راهبردهای انتقادی و تعدیلی، به دلیل پیچیدگی کنش گفتار انتقاد، امری دشوار است، زیرا شرکت‌کننده‌ها، از کنش‌گفتارهای دیگر، مانند درخواست کردن، عذرخواهی کردن و یا تعارف کردن استفاده کرده‌اند. موضوعی که باعث پیچیدگی بیشتر کنش گفتار انتقاد می‌شود، آن است که بسیاری از راهبردها از لحاظ معنایی و کاربردی بسیار به هم نزدیک هستند. مشکل دیگر، به کار بردن دو یا چند راهبرد هم‌زمان برای ابراز انتقاد یا تعدیل کردن آن است. با این وصف، کنش گفتار انتقاد، مجموعه پیچیده‌ای از سایر کنش‌گفتارها است. گوئن در این زمینه می‌نویسد «شاید بهتر باشد که انتقاد را مجموعه‌ای از کنش‌گفتارها و راهبردهایی در نظر گرفت که هر ترکیبی از آن‌ها به ابراز انتقاد کمک می‌کند» (Nguyen, 2013, p. 124). این نتایج هم‌چنین نشان می‌دهد که تلخی انتقاد، از کنش‌گفتارهایی مانند شکایت کردن و متهم کردن کمتر است. به دلیل اینکه افراد راهبردهای گوناگونی برای بیان و تعدیل انتقاد در دسترس دارند. هم‌چنین می‌توان اشاره نمود که انتقاد برخلاف شکایت، همواره ناخوشایند نیست بلکه می‌تواند سازنده هم باشد و راهی برای ایجاد، برقراری یا حفظ رابطه با دیگران باشد.

یافته‌های پژوهش هم‌چنین نشان می‌دهد که تأثیر جنسیت قوی‌تر از تأثیر موقعیت و فاصله اجتماعی است. این امر تفاوت معناداری را بین افراد مذکر و مؤنث شرکت‌کننده در رابطه با راهبردهای ابراز و تعدیل انتقاد در یک فضای دانشگاهی نشان می‌دهد. در این زمینه، به یقین پژوهش‌های بیشتری نیاز است تا نحوه بیان این کنش‌گفتار در فضاهای اجتماعی دیگر و نقش‌های ارتباطی دیگر افراد مورد بررسی قرار گیرد. برای نمونه، می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که افرادی که دارای موقعیت اجتماعی بالاتری هستند، چگونه از افراد زبردست خود انتقاد می‌کنند. از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به مواردی اشاره نمود، از جمله اینکه در مقاله حاضر برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه تکمیل‌گفتمان استفاده شده است. در حالی که در پژوهش‌های آینده می‌توان از روش‌های دیگری

مانند ضبط و بررسی مکالمه‌های افراد در حال تعامل، استفاده کرد. در نهایت پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری در این زمینه، با در نظر گرفتن متغیرهای دیگری مانند سایر بافت‌های اجتماعی، سطح‌های طبقاتی و سن افراد انجام پذیرد تا آشکار شود که زبان جنسیتی چگونه در پیوند با متغیرهای دیگر مانند فاصله اجتماعی و موقعیت اجتماعی می‌تواند عمل کند و به دوام نابرابری اجتماعی و توسعه پایدار جنسیتی کمک کند.

فهرست منابع

- Austin, J. L. (1962). *How to Do Things with Words*. Oxford: OUP
- Billmeyer, K., & Varghese, M. (2000). Investigating instrument-based pragmatic variability: effects of enhancing discourse completion tests. *Applied Linguistics*, 21/4, 517-552.
- Blum-Kulka, S. (1987). Indirectness and politeness in requests: same or different?. *Journal of Pragmatics*, 11, 131-146.
- Cohen, A. (2014). E-mail Correspondences (*discusses genuine criticism*). 20 May, <adcohen@umn.edu>
- Halliday, M. A. K. (2003). *On language and linguistics*. London: Continuum.
- Jiang, X. (2006). Suggestion: What should ESL student know?. *Elsevier*, 34 (1), 36-54.
- Li, S., & Seale C. (2007). Managing criticism in Ph.D. supervision: a qualitative case study. *Studies in Higher Education*, 32 (4), 511-526.
- Liu, J. (2006). *Measuring interlanguage pragmatic knowledge of EFL learners*. Frankfurt: Peter Lang.
- Nguyen, T. M. (2013). An exploratory study of criticism realization strategies used by NS and NNS of New Zealand English. *Multilingua*, 32 (1), 103-130. [Online] <<http://10.1515/multi-2013-0005>>
- Nguyen, T. T. M. (2005). Pragmatic development in L2 use of criticisms: a case of Vietnamese EFL learners. In S. Foster-Cohen, M. P. García-Mayo & J. Cenoz (Eds.), *EUROSLA Yearbook 5* (pp. 163-194). Philadelphia: Benjamin Pub. Co.
- Pishghadam, R., & Ghahari, S. (2012). *Fundamental concepts in applied linguistics: a reference book*. Tehran: Rahnama Publications.
- Pishghadam, R., & Zarei, S. (2012). Cross-cultural comparison of gratitude expression in Persian, Chinese and American English. *English Language Teaching*, 5 (1), 117-126.
- Richards, J. C., & Schmitt, R. (2002). *London dictionary of language teaching and applied linguistics* (3rd ed.). London: Pearson Education.
- Riekkinen, N. (2009). *Softening criticism: the use of lexical hedges in academic spoken interaction* (Pro Gradu thesis), University of Helsinki, Helsinki, Finland.
- Searle, J. (1975). Indirect speech acts. In P. Cole & J. Morgan (Eds.), *Syntax and Semantics Speech Acts* (Vol. 3. pp 59-82). New York: Academic Press.
- Spencer-Oatey, H. (2008). *Culturally speaking: managing rapport through talk across cultures* (2nd ed.). London and New York: Continuum.

Studying speech act of criticism in Persian from a Sociolinguistic point of view¹

Nouredin yousofi²

Saman Ebadi³

Farkhonde Pursiah⁴

Received :2016/02/08

Accepted: 2016/09/05

Abstract

The study is set up to see how participants deal with interpersonal interaction when they criticize their classmates and professors as interlocutors. This concerns lower-to-higher status with great social distance between professors and students compared to equal status and neutral social distance pertaining to the classmates. The study is concerned with the pragmalinguistic patterns, realization and mitigation strategies that the participants apply to criticize their interlocutors.

Criticism implies one's dissatisfaction with a quality in someone or something. Criticizing implies voicing an objection or appraising the faults in somebody or something. Speech act of criticizing as a face-threatening act has been the focus of few studies

¹ . (DOI): 10.22051/JLR.2016.2441

² Assistant Professor. Razi university. Kermanshah. Iran; nyousofi@yahoo.com

³ Assistant Professor. Razi university. Kermanshah. Iran;
samanebadi@gmail.com

⁴ M.A. in Teaching English. Razi university. Kermanshah. Iran ;
Pursiahf@gmail.com

(Nguyen 2005a, 2008, 2013). This neglected speech act has already been the focus of some studies but in a restricted way in terms of type and applied strategies. L2 criticism has been studied with respect to giving critical feedback on the learner' peer correction of written papers in writing courses (Nguyen, 2005a, 2005b, 2008a, 2008b). This article aims to explore how Persian NSs perform facework to achieve politeness when they criticize their interlocutors. The researchers want to investigate the topics along with the features that characterize politeness among Persian NSs with regard to mitigating the face-threatening aspect of giving criticisms. This is an attempt to discover common issues and patterning of genuine criticisms (GCs) as they are used among native speakers of Persian in and around the University of Razi community. It explores how Persian NS students in relation to their professors and classmates realize and mitigate the speech act of criticism. The case study consisted of 200 adult B.A and M.A university students. They were all students from two universities in a western province of Iran, and the towns nearby, aged between 19 and 27 (Mean = 23). The participants were 105 females and 95 males. The themes of GCs and the level of seriousness of the topic of GCs vary according to the relationship between the participants. Three important interlocutor variables that are supposed to affect GC exchanges are gender, social distance, and power status. The manner in which interlocutors perform criticism is directly related to the interlocutor status, their relationship, and gender. Both male and female participants in the study seem to have similar general tendencies in terms of criticizing their interlocutors with equal status and little social distance. Nevertheless, they are different in terms of the strategies that they apply toward their higher status interlocutors with larger social distance. The strategies that male group use for criticizing their higher status professors are subcategories of

direct/explicit strategies; however, the female group use indirect/implicit strategies. The findings indicate that male participants have the tendency to introduce their point of criticisms, i.e. use steers, regardless of the status and distance of their interlocutors. While female participants are inclined to soften the act of criticism by using consultative strategies. The relationship between GC strategies and social status of the interlocutors seems weaker than the relationship between GC strategies and gender. In comparing the results for interlocutors of equal status, it is apparent that for equal status participants the percentage of implicit strategies is higher than the percentage of explicit ones. It seems that in studied community it's not appropriate for females to criticize their interlocutors directly when they are from higher social status, compared to the ones from lower social status. You would reasonably expect female speakers from lower social status to be more constrained when the addressee is from higher status. But for male participants, a combination of explicit and implicit strategies are employed. Similarly, equal status participants draw mainly on implicit strategies to realize GCs. All in all the findings indicate that male participants have the tendency to introduce their point of criticisms regardless of the status and social distance of their interlocutors. While, female participants are inclined to soften the act of criticism by giving suggestions, complimenting, or making requests i.e. they actually apply consultative strategies.

The analysis of mitigation strategies to soften the negative impact of GC also shows that it may function positively in social interchanges and lead to creating a sense of solidarity between participants through strategies of complimenting and requesting. GC may function negatively when it is only a negative evaluation of the hearer, or it may serve to seek agreement between interlocutors. This study has implications for language pedagogy:

awareness of social patterns underlying GCs is important for non-native speakers; by means of such patterns they learn how to criticize Persian native speakers appropriately, and, moreover, it increases their opportunities to interact with Persian native speakers.

Keywords: speech act of criticism, social distance, social status, native speakers of Persian